بررسی

## الگوهای عام گذار به دموکراسی

کتاب «گذارها به دموکراسی» عنوان آخرین کتاب حسن قاضی‌مرادی است که به‌تازگی به همت نشر اختران منتشر شده است. او در این کتاب به مسئله گذار به دموکراسی و نظریه‌های دموکراسی‌سازی می‌پردازد. موضوع جامعه‌شناسی سیاسی در برنامه تضمنت سال گذشته دانست. در این دوره نظریه‌های گوناگونی با عنوان نظریه‌های دموکراسی‌سازی تدوین شده است. قاضی‌مرادی گذار به دموکراسی را به معنای گذار از حکومت اقتدارگرا به حکومت دموکراتیک می‌داند. از نظر او، در اولویت‌بودن گذار به دموکراسی و نظریه‌های دموکراسی‌سازی در عرصه سیاست براعد تحولات سیاسی- اجتماعی در سده‌های نوزدهم و بیستم بود و اینکه پس از جنگ جهانی دوم جنبش دموکراسی‌سازی در جهان شتاب گرفت. پاسخ بخش عظیمی از مردمان کوناگون در شرق و غرب جهان به امپریالیسم، هژمونی‌طلبی و جنگ در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین جنبش‌های ملی یا به آزمان استقلال و آزادی شکل گرفت و به پیروزی‌هایی هم دست یافت. به تعابیر، «reversal» یا «برگشت»، deeply structured به «عمیقاً ساختاری»، in the wake of به «در آغاز» و مواردی از این دست اشاره کرد.

اما سعی می‌کنم در ادامه، به‌اختصار، سره را از ناسره جدا کنم و نشان دهم که وی کجاها به خطا رفته است. از جمله در همان جمله اول دیباچه، که کانون ورود وی به بحث است، لوردون از تداوم و حفظ وضعیت contentious سرمایه‌داری بحث می‌کند. به باور من، برخلاف تلقی صالح نجفی، لوردون از این اصطلاح (که هم به معنای ستیزه‌جویدن است و هم بحث‌برانگیزبودن) برای اشاره به تداوم ماهیت بحث‌برانگیز و مناقشه‌برانگیز سرمایه‌داری استفاده می‌کند. سرمایه‌داری، با واژگان نجفی، خود را «سوال‌برانگیز» یا «مشکوک» نمی‌سازد، بلکه در حال تداوم رویه «بحث‌برانگیز» و «ستیزنده» خود است. همان رویه‌ای که لوردون دقیقاً در پایان دیباچه از امکان «فرافکندشتن» از آن و